

اهداف تربیت از نگاه ابن سینا^۱

کمال نصرتی هشی^۲

رضا علی نوروزی^۳

سید ابراهیم میرشاه جعفری^۴

حسن علی بختیار نصرآبادی^۵

چکیده

یکی از عناصر اصلی تعلیم و تربیت، هدف است. اگر تعلیم و تربیت را سیورورت و تحول انسان از وضع موجود به وضع مطلوب تعریف کنیم، بدون شک این تحول نیازمند آگاهی از هدف حرکت یا مجموعه اهدافی است که جهت و مسیر حرکت و سرانجام آن را مشخص می‌سازد. ابن سینا در ضمن مسائل نفس‌شناسی به موضوع تعلیم و تربیت انسان پرداخته است و برای حرکت تکاملی انسان هدف اصلی و کلی که همان سعادت حقیقی انسان است، قرار می‌دهد. او در مسیر رسیدن به این هدف اصلی، اهداف میانی را معرفی می‌نماید که عبارتند از: اهداف اعتقادی، اهداف اخلاقی، اهداف علمی - آموزشی، اهداف فرهنگی - هنری، اهداف اجتماعی، اهداف زیستی - جسمانی، اهداف سیاسی - اقتصادی.

واژگان کلیدی

هدف تربیت، سعادت، اهداف میانی، ابن سینا

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۸؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۲

۲- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان؛ نویسنده مسئول

۳- استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

۴- دانشیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

۵- دانشیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

طرح مسئله

تعلیم و تربیت همیشه به عنوان یکی از مسائل اساسی بشر مطرح بوده است و نظام‌های تربیتی از دیرباز هدف‌هایی را برای خود در نظر گرفته‌اند و هدف نیز همیشه به عنوان یکی از ارکان حیاتی و شاید مهم‌ترین مسئله تعلیم و تربیت مطرح بوده و مورد بحث واقع شده است. از این رو یکی از ارکان مهم هر برنامه تربیتی^۱ هدف آن است. چرا که هدف نقطه‌ای است که انسان به طرف آن حرکت می‌کند. هدف، جهت زندگی و جهت کوشش‌های انسان را روشن می‌سازد (احمدی، ۱۳۶۸، ص ۵۹). اعمال بدون هدف، فعالیت‌هایی عقیم و بی‌نتیجه، عبث و بیهوده‌اند که ثمری به دنبال ندارند و هدر دادن نیروها و امکانات، نتیجه واقعی آن اعمال است. اطلاع از اهداف تربیتی می‌تواند در هدایت اقدامات تربیتی و ایجاد انگیزه در متربیان، سودمند واقع شود. البته هدف‌داری، خاص انسان نیست و تمام جهان خلقت و تک‌تک پدیده‌های آن در مسیر خود هدفی را تعقیب می‌کنند. این هدف از سوی خالق جهان و به منظور ترقی و تکامل آن‌ها در نهاد پدیده‌ها قرار داده شده است.

یک نظام تربیتی برای آن که بتواند در رسالت خویش موفق باشد و انسان‌هایی را تربیت کند که به سعادت برسند، بایستی در برنامه تربیت، اهداف خویش را مشخص سازد. ارسطو در مورد این که مقررات آموزش و پرورش چگونه باید باشد، نخست به بحث درباره اهداف آن می‌پردازد و بیان می‌دارد که نادرستی و ناهماهنگی شیوه کنونی تربیت ناشی از روشن نبودن هدف آن و اختلاف نظر درباره آن است (ارسطو، ۱۳۶۴، ص ۳۲۹). از این رو به خاطر نقش و جایگاه والای هدف در جهت‌دهی به فعالیت‌های یک برنامه منسجم، آثار ابن‌سینا مورد مطالعه قرار گرفت تا از این طریق اهداف تربیت از دیدگاه او مشخص شود. امروزه بیش از هر زمان دیگری ضرورت بازخوانی آثار اندیشمندان به عنوان الگوی اصیل اسلامی - ایرانی احساس می‌شود و نظام‌های تربیتی مختلف به تناسب بافت فرهنگی - تاریخی خود، سعی می‌کنند تا با اتکا به آرای اندیشمندان جامعه خویش، خط مشی‌های تربیتی مطلوبی را تعیین کنند و پژوهش و مطالعه در آرای ابن‌سینا به عنوان یکی از نمایندگان اصلی ایرانی - اسلامی، می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

بنابراین مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که اهداف تربیت از دیدگاه ابن‌سینا با توجه به آرا و افکار ایشان چیست؟ بنابراین، در نگارش این مقاله به کتاب‌های ابن‌سینا و آثاری که

۱- برنامه تربیت یک سند مکتوب و قانونی است که دارای اهداف و راهبردها و سیاست‌ها و روش‌ها و ابزارها برای ارزشیابی از یک برنامه است و در این مقاله فقط به بررسی اهداف که در واقع نقش محوری و اساسی در برنامه تربیت دارد، پرداخته می‌شود.

در رابطه با ایشان نوشته شده رجوع شد و با روش توصیفی - تحلیلی این کار صورت گرفت.

هدف کلی تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا

هدف کلی نظام تربیت سنیوی رسیدن به سعادت است که انسان به دنبال کسب آن است و هدایت به سوی سعادت نیز بالاترین هدایت‌هاست، چرا که شرافت هدایت‌ها به غایاتی است که به آن رهنمون می‌شوند (ابن سینا، ۱۴۰۰ هـ، ص ۲۶۰-۲۶۱). در باب سعادت، ابن سینا در رساله *السعاده و ذکر الحجاج علی جوهریه النفس* می‌گوید: برخی گمان می‌کنند که سعادت عبارت از رسیدن به لذات حسی و ریاست‌های دنیوی است، ولی کسی که اهل تحقیق باشد، می‌داند که هیچ کدام از لذت‌های حسی سعادت نیست؛ زیرا همگی با نواقص و ناملازمات همراه است (همان، ص ۲۶۱). به عقیده ایشان، سعادت حقیقی عبارت از امری است که ذاتاً مطلوب است و به دلیل خودش گزینش می‌شود و مسلم است آنچه مطلوب بالذات است و امور دیگر هم به سبب آن مطلوب واقع می‌شود، برتر از امری است که به دلیل چیزهای دیگر طلب می‌شود (همان، ص ۲۶۰-۲۶۱). البته ابن سینا بزرگ‌ترین یا بزرگ‌ترین سعادت را نزدیکی به حق اول (خداوند) می‌داند و می‌نویسد: سعادت بزرگ «نزدیکی به حق اول» است، که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیز است و حکمای الهی میل و رغبتشان برای نیل به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم است (همان، ص ۴۲۳). پس بدین ترتیب، می‌توان نزدیکی به خداوند را هدف نهایی تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا تلقی کرد.

جایگاه عقل فعال در رسیدن به سعادت

شیخ در باب جایگاه عقل فعال چنین گفته است: «عقل فعال، قوه‌ای خارج از وجود آدمی است و کاملاً مجرد و غیرجسمانی است و هیچ سنخیتی با جسم و امور جسمانی ندارد» (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص ۱۸۶). از دیگر ویژگی‌هایی که ابن سینا برای عقل فعال بر می‌شمارد - که البته از اوصاف آن است نه از ذاتیاتش - همان رابط بودن بین مراتب تعقل است که بدون او (عقل فعال) هیچ یک از مراتب تعقل (عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد) نمی‌تواند به مرتبه مافوقش برسد و فعلیت یابد. همچنین در خصوص جایگاه عقل فعال، ابن سینا بر این باور است که آن، بیرون از نفس انسانی است و از بیرون بر نفس ناطقه اشراق می‌کند و باعث تحقق علم و ادراک در نفس انسانی (باعث تکامل قوای نفس) می‌شود و نه تنها نفس انسانی برای حصول علم و معرفت بدان نیازمند است، بلکه همه معقولات قائم بدان هستند و مهم‌ترین ویژگی عقل فعال، بالفعل بودن آن است؛ چرا

که اگر عقل فعال نیز بالقوه می‌بود و نیاز به عامل بالفعل دیگری داشت تا آن را به فعلیت رساند، وضعیتی از سلسله عوامل پیش می‌آمد که تا بی‌نهایت ادامه می‌داشت (ابن‌سینا، ۱۹۵۲م، ص ۱۱۱).
چگونگی اتصال نفس با عقل فعال به این صورت است که نفس انسان در اثر ممارست و اشتغال دائم به درک کلیات و صور معقول و در عین حال دوری از آلودگی‌های مادی و توجه به امور عقلی، می‌تواند به ملکه اتصال و پیوستگی دایم به عقل فعال دست یابد.

در حقیقت، نفس انسانی در این حالت مانند آینه‌ای است که صورت تمام صور معقول در آن منعکس می‌شود (همو، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶؛ طوسی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۷). در حالی که اگر نفس از آن جوهر عقلانی به طرف عالم جسمانی روی گرداند، یا متوجه صورت‌های دیگری شود، در این هنگام صورت‌هایی که از طرف جوهر مجرد در نفس نقش بسته بودند، از بین می‌روند، همانند آینه‌ای که آن را به طرف بالا گرفته باشند، ولی رویش را به طرف عالم پایین (امور غیرعقلانی و غیر قدس) گردانده باشند. این امر برای نفس در مقامی اتفاق می‌افتد که دارای توان و ملکه اتصال به عقل فعال باشد (بشری، ۱۳۸۳، ص ۷۴).
همچنین ذکر این نکته ضروری است که نفس، به صورت قوه و استعداد محض است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷، ص ۴۰) و برای این که بتواند به جایگاه اتصال به عقل فعال دست یابد، نیازمند عبور از مراحل نفس نباتی و حیوانی، و سرانجام دست یافتن به مرتبه نفس انسانی است؛ در واقع این سه مرتبه (نباتی، حیوانی، انسانی) به عنوان قوای نفس هستند (همو، ۱۳۶۰، ص ۳۴۳) و با توجه به این که افاضه صور معقول به نفس انسان به وسیله عقل فعال به یکباره صورت نمی‌پذیرد، از این رو، ابن‌سینا حصول اتصال نفس به عقل فعال را در نتیجه گذشتن از سه قوه و سه مرحله (نباتی، حیوانی، انسانی) می‌داند (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۰۱).
بنابراین نقش عقل فعال در رسیدن به سعادت به این صورت است که بدون آن هیچ یک از مراتب تعقل نمی‌تواند به مرتبه مافوقش برسد و فعلیت یابد و همچنین همان‌طور که ذکر شد عقل فعال، از بیرون بر نفس ناطقه اشراق می‌کند و باعث تحقق علم و ادراک در نفس انسانی (قوه نظری و عملی) می‌شود و چون از دیدگاه ابن‌سینا سعادت حقیقی آن است که انسان به کمال قوه نظری و عملی نایل شود (همو، ۱۴۰۴هـ، ص ۴۲۳ و ۴۵۵؛ همو، ۱۳۶۴، ص ۳۳۸)؛ از این رو نقش عقل فعال در رسیدن به سعادت آشکار می‌شود.

بنابراین در نظام تربیت سینوی تمام تلاش‌ها بر این است که با ایجاد زمینه‌ها و شرایط مناسب تمام قوا را از طریق اتصال با عقل فعال بالفعل سازد که نتیجه آن دستیابی به سعادت یعنی همان نزدیکی به حق اول (خداوند) است. بنابراین، چنین هدفی در نظام تربیت سینوی یک هدف کلی و دورنمایی از یک نظام تربیتی است که تمام فعالیت‌های آموزش و پرورش بایستی سرانجام بدان ختم شود.
در هر نظام سیستماتیک رسیدن به هدف کلی در صورت دست یافتن به اهداف میانی امکان‌پذیر

می‌شود؛ از این رو برای تحقق هدف کلی (رسیدن به سعادت) در نظام تربیت سینوی، ابتدا بایستی به اهداف میانی این نظام تربیتی دست یافت که در ذیل به معرفی این اهداف پرداخته می‌شود:

اهداف واسطه‌ای (میانی) تربیت از دیدگاه ابن سینا

۱- اهداف اعتقادی: ابن سینا بر این باور بود که هنگامی که مفاصل کودک سخت و زبان وی گویا و گوش او برای شنیدن و پذیرفتن سخن آماده و وجودش مستعد فراگرفتن علم و ادب، و درک گفتار و آماده پذیرش شد، قرآن و اصول و واجبات دینی و زبان عربی و اشعار حاوی مطالب اخلاقی را در برنامه درسی او بگنجانند و این مطالب را از آسان شروع کنند تا آموخته شود (ابن سینا، ۱۳۴۷هـ ص ۳۷). همچنین ایشان می‌گویند: باید در انتخاب آموزگار و مربی دقت کرد تا فردی برگزیده شود که خردمند و دین‌دار و آشنا به تهذیب اخلاق و پرورش و تربیت بچه باشد و با وقار و سنگین و بامروت و پاک دامن و نظیف باشد و راه معاشرت را بداند (همو، ۱۳۱۹، ص ۴۵).

ابن سینا فرد معتقدی بود؛ چون هرگاه با معضلی علمی روبه‌رو می‌شد، به مسجد می‌رفت و نماز می‌گذازد و از خداوند استمداد می‌طلبید تا مشکل بر او گشوده شود (صفا، ۱۳۳۱، ج ۱، ص ۲۹-۳۰). از این رو با الگو قرار دادن رفتار شیخ در عرصه تعلیم و تربیت می‌توان فراگیران را به سوی چنین اعمالی ترغیب کرد و به پرورش افرادی معتقد به خداوند بر اساس قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ پرداخت.

۲- اهداف اخلاقی: با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی ابن سینا، می‌توان هدف اخلاقی را در عرصه تعلیم و تربیت ترسیم کرد. شیخ در نقش ریاضت^۱ در اخلاق فرد چنین می‌گوید: از طریق ریاضت و پیوستن به عالم فرشتگان، نفس انسان می‌تواند بی‌واسطه کسب معرفت کند. چنانچه شیخ معتقد است سالک به برکت ریاضت پیش می‌رود و به حدی می‌رسد که گویی مصاحبت و معارفه مستمر برایش فراهم می‌شود (طوسی، ۱۳۲۵، ج ۳، ص ۲۸۵) و در باب شکل‌گیری اخلاق می‌گوید: اخلاق چه جمیل باشد، چه قبیح، اکتسابی است و انسان می‌تواند خلقی را که تا به حال دارا نبوده با تکرار و تمرین کسب کند و نیز با اراده خویش، خلق خویش را تغییر دهد و ضد آن را در نفس خویش پدید آورد (عبدالامیر، ۱۹۸۸، ص ۳۶۳). ایشان خلق را چنین تعریف می‌کند: خلق ملکه‌ای است که به وسیله آن، افعالی به سهولت و بدون تردید از نفس صادر می‌شود (همو، ۱۴۰۴هـ ص ۴۲۹؛ اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۶۸). شیخ، هم‌چون اندیشمندان پیش از خود، منشأ پیدایش خلق را در نفس، عادت می‌داند و عادت را تکرار زیاد فعل، در

۱- ریاضت روشی برای تهذیب نفس است و تهذیب نفس در حیطه اخلاق عملی قرار می‌گیرد.

مدتی طولانی و در شرایط همسان، تعریف می‌کند (ابن‌سینا، ۱۹۸۸م، ص ۳۱۳). به نظر او، ملاک فضیلت و رذیلت خلق، ملکه «اعتدال» است (همو، ۱۴۰۴هـ ص ۴۲۹-۴۳۰: اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۶۹). از این رو، نکته‌ای که در دیدگاه او قابل تأکید است، اکتسابی بودن اخلاق پسندیده یا ناپسند در انسان است، یعنی امر یادگیری در به وجود آمدن هر گونه اخلاق در نفس انسان دخیل است و این جاست که اهمیت نهاد تعلیم و تربیت در بحث تربیت اخلاق جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. ابن‌سینا، عادت را در پیدایش خلق در نفس سهیم می‌داند. پس در ارتباط با اهداف نظام تعلیم و تربیت این را می‌توان گفت که باید زمینه‌ای را فراهم ساخت تا مربی با تکرار زیاد فعل اخلاقی در مدتی طولانی، اخلاق پسندیده را بدون افراط و تفریط و در حد فعل معتدل، به صورت ملکه در فراگیران پرورش دهد.

در حوزه اخلاق خودشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع خودشناسی به عنوان یک عملکرد اخلاقی مثبت به شمار می‌رود که ابن‌سینا درباره این موضوع می‌گوید: نزدیک‌ترین و مهم‌ترین امر برای انسان، نفس اوست. انسان پیش از تدبیر و تربیت دیگران، باید در پی تربیت خویشتن باشد و برای این امر لازم است خود را بشناسد؛ از این رو خودشناسی و آگاهی بر اوصاف و قوای نفس و زوایای روح خویشتن، از اهداف بنیادینی است که ابن‌سینا به آن عنایتی ویژه دارد (ابن‌سینا، ۱۳۴۷هـ ص ۱۴). بنابراین، نخستین گام در تربیت، باید تربیت نفس باشد که کلید آن، «شناخت خویشتن» است. فرد باید صفات و عادت‌های ناپسند خود را به طور کامل بشناسد و بر تمامی عیوب نفس احاطه کامل پیدا کند؛ زیرا اگر عیبی بر وی مخفی بماند، هم‌چون دملی پنهان در زیر پوست، پس از مدتی سرباز می‌کند و بر بیننده آشکار می‌شود (همان، ص ۱۵). با این حال، انسان باید به شناخت خود نسبت به خویشتن و عیوب آن بدگمان باشد؛ چرا که انسان به طور طبیعی نسبت به عیوب نفس خویشت مسامحه می‌کند و هوا و هوس مانع از آن می‌شود که او به خوبی از اخلاق و رفتار ناپسند خویش آگاه شود؛ از این رو، بوعلی توصیه می‌کند که فرد در این باره از دوستی دانا و مهربان یاری جوید، دوستی که هم‌چون آینه، نیکی‌ها و زشتی‌هایش را بر او بنمایاند (همان، ص ۱۶). از این رو امر تربیت یک امر شخصی و فردی نیست، بلکه در این امر خطیر لازم است از افراد مطلع دیگر بهره جست.

۳- اهداف علمی، آموزشی: هدف دیگر در فرایند تعلیم و تربیت تکمیل نفس ناطقه انسان است که دارای دو قوه «عقل نظری» «عقل عملی» نفس است که تکمیل این دو قوه عقل نظری و عملی را می‌توان به عنوان اهداف میانی تربیت برای رسیدن به هدف کلی و مقصد نهایی آن یعنی سعادت به‌شمار آورد. چنانچه گفته شد، نفس ناطقه دارای دو قوه است که شیخ گاهی از آن دو با عنوان «قوه عالمه» و «قوه عامله» (همو، ۱۳۶۴، ص ۱۶۲) و گاهی با عنوان «عقل نظری» و «عقل عملی» (همو، ۱۴۰۳هـ ج ۲، ص ۲۵۲؛ همو، ۱۴۰۰هـ ص ۸۸) یاد می‌کند.

عقل عملی، قوه‌ای است که منشأ حرکت بدن انسان به سوی افعال جزئی است. برای وصول به اغراض اختیاری، این قوه آن امور انسانی جزئی را که لازم است انجام گیرد، از طریق مقدمات بدیهی، مشهور یا تجربی به کمک عقل نظری درک می‌کند. این قوه باید بر اساس احکام عقل نظری بر سایر قوای بدن تسلط یابد و بر آن‌ها تأثیر گذارد، نه آن‌که از آن‌ها منفعل شود. چنانچه این قوه تحت تأثیر بدن قرار گیرد و در آن هیأت انقیاد حاصل شود، اخلاق رذیله پدید می‌آید. در مقابل، اگر این قوه منقاد بدن و قوای جسمی نباشد، بلکه آن‌ها را تحت اختیار خویش در آورد، اخلاق حسنه حاصل می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ همو، ۱۴۰۳هـ ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ همو، ۱۴۰۴هـ ص ۳۷-۳۹).

عقل نظری قوه‌ای است که در آن صورتهای کلی مجرد از ماده نقش می‌بندد، و اگر این صورتهای ذاتاً مجرد نباشد، خود عقل آن‌ها را از علایق مادی مجرد می‌سازد. عقل نظری خود مراتبی دارد (همو، ۱۴۰۴هـ ص ۳۷-۳۹) که از مرتبه عقل هیولانی شروع و با گذر از مراتب بالملکه و بالفعل، به مرتبه عقل مستفاد نائل می‌شود و با رسیدن به مرتبه مستفاد از عقل فعال کسب فیض می‌کند (همو، ۱۴۰۳هـ ج ۲، ص ۳۵۵؛ همو، ۱۴۰۴هـ ص ۴۰؛ عبدالامیر، ۱۹۸۸م، ص ۴۰۴ و ۴۱۸). بنابراین در فرایند تربیت باید رشد و پرورش قوای عقلی انسان مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که ابن‌سینا عادت به اندیشه‌ورزی را مهم‌ترین هدف در کسب معرفت تلقی می‌کند. عادت به تفکر، هر چند استفاده‌آنی ندارد، ولی باعث رشد علمی و روحیه لذت بردن از دانش می‌شود (زبیا کلام، ۱۳۸۴، ص ۷۲). پس نکته مهم آن است که نظام تربیتی ابن‌سینا را نیروی عقل رهبری می‌کند و هدف از تعلیم و تربیت گردآوری اطلاعات نیست، بلکه هدف همان اندیشه‌ورزی است که براساس دانش عمل می‌کند.

در محور هدف علمی - آموزشی، مسئله توجه به استعداد و علایق و امکانات آموزشی مطرح است و با نگاهی به آرای ابن‌سینا مشخص می‌شود که او نیز از این مسئله غافل نبوده است و در این باب می‌گوید: انسان‌ها با یکدیگر مساوی نیستند و از نظر توان جسمی، قدرت تفکر، هوش و استعداد، زیرکی و کودنی و جهات دیگر با هم تفاوت دارند (ابن‌سینا، ۱۳۴۷هـ ص ۴۰-۴۱). ابن‌سینا تنها به کشف استعدادها بسنده نمی‌کند، بلکه معتقد است میل و علاقه شخصی فرد به رشته یا حرفه انتخابی، در پیشرفت و موفقیت وی و نیز در جلوگیری از تضييع وقت او نقش تعیین‌کننده دارد؛ از این رو، پس از انتخاب دانش یا حرفه، مربی باید تا مدتی متعلم را تحت نظر قرار دهد و میزان علاقه و رغبت او را به آن دانش یا حرفه خاص دریابد (همان، ص ۴۱). همچنین بوعلی بر این باور است که تنها استعداد و علاقه برای انتخاب دانش و حرفه کافی نیست، بلکه امکانات و وسایل یادگیری در آن دانش یا حرفه ویژه نیز باید برای فرد فراهم باشد. مربی باید توجه کند که آیا کودک ابزار و امکانات لازم برای موفقیت در آن دانش یا حرفه انتخابی را داراست یا نه (همان‌جا). بنابراین یکی دیگر از اهداف تربیت

که امروزه در نظام آموزشی کشور به عنوان اهداف تربیتی شناخته شده و در زیرمجموعه اهداف علمی - آموزشی قرار دارد، شناخت و پرورش و هدایت استعداد های افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه با در نظر داشتن علایق فراگیران و امکانات جامعه است و چون ابن سینا چنین مؤلفه‌هایی را در آرای خویش ذکر کرده، انتظار می‌رود در نظام تربیتی که مبتنی بر آموزه‌های اوست، به این موارد توجه شود.

۴- اهداف فرهنگی، هنری: با توجه به متون ابن سینا آشکار می‌شود که وی به موسیقی علاقه می‌ورزید و گوش دادن به موسیقی را برای کودک ضروری می‌دانست تا آن‌جا که می‌گفت باید کودک را همراه موسیقی خوابانید. همین مسئله باعث ایجاد آمادگی برای آموختن موسیقی در دوره‌های بعد می‌شود و پرورش ذوق و سلیقه کودک از این طریق در مرحله بعد شکل بارزتری به خود می‌گیرد. هنگامی که کودک می‌آموزد اشعاری با قافیه‌های ساده بخواند، لذت می‌برد و در او این انگیزه به وجود می‌آید که برای خوبی‌ها ارزش قایل شود (النقیب، ۱۳۷۵، ص ۳۷). ابن سینا ابتدا به نقش اعداد در موسیقی و سپس به ویژگی‌های صوت در بین محسوسات اشاره می‌کند. او موسیقی را شاخه‌ای از دانش ریاضی معرفی می‌کند و شامل دو بخش می‌داند: یکی تألیف که موضوعش نغمه‌ها و ترکیب‌پذیری آن‌هاست و دیگری کشش زمانی یا وزن موسیقایی است. چنین بخش‌هایی می‌تواند موجب لذت یا بر اثر افراط، موجب کراهت شود (ابن سینا، ۱۴۰۴هـ ص ۴۲۵).

۵- اهداف اجتماعی: با نگاهی به آثار ابن سینا مشخص می‌شود که او به بعد اجتماعی جامعه بی‌تفاوت نبوده است؛ چرا که انسان‌ها در جامعه همانند جویبارها و نهرهایی هستند که نمی‌توانند تنها و مستقل به مسیر حیات خویش ادامه دهند و زندگی را در تنهایی دنبال کنند، به ناچار باید به دریای جامعه پیوند بخورند و با دیگران بودن را آغاز کنند. از این منظر است که در هدف‌های اجتماعی رابطه فرد با دیگر هم‌نوعان خویش مطرح می‌شود. چنانچه ابن سینا در الهیات *شفاء*، نیاز انسان به اجتماع را به عنوان امتیاز انسان نسبت به حیوان تلقی می‌کند و ابن سینا بر این باور است که رفع نیازهای انسان بدون زندگی مشترک با دیگر انسان‌ها و بدون همیاری آن‌ها با یک‌دیگر امکان‌پذیر نیست. و این نیاز بر تمامی انسان‌ها مستولی است (همان، ص ۴۴) و اذعان می‌کند که نیازهای طبیعی و روحی انسان به گونه‌ای است که او را به زندگی در اجتماع وادار می‌کند؛ از جمله این نیازها عبارت است از: نیاز به غذا و مسکن و فرزند (همو، ۱۳۴۷هـ ص ۹-۱۲).

ابن سینا معتقد است که نیازهای انسان، به یک‌دیگر مرتبط و وابسته است و گاه رفع یک نیاز، خود به پیدایش نیازهای دیگر منجر می‌شود؛ همان‌گونه که داشتن همسر و فرزند، نیاز انسان به غذا و مایحتاج زندگی را بیش‌تر می‌کند و او را به گرفتن خادم و کنیز در خانه و یاری جستن از دیگران

و اداری می‌سازد. شیخ‌الرئیس بر این باور است که نیازهای فوق به فرد یا گروه ویژه‌ای از انسان‌ها اختصاص ندارد، بلکه نیازها و ضرورت‌هایی فراگیر و عام است (ابن‌سینا، ۱۳۴۷، ص ۱۲-۱۳). بنابراین نیاز انسان به اجتماع از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. بر همین اساس، در تعلیم و تربیت فراگیران یکی از اهدافی که بایستی بیش‌تر مورد توجه قرار بگیرد، توجه به اهداف اجتماعی و آماده کردن فراگیران برای زندگی در جامعه است؛ چرا که فرد به تنهایی نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد و شخص بایستی مهارت‌هایی را که برای زندگی در یک جامعه لازم است، فرا بگیرد و بتواند با دیگران به گونه مؤثری ارتباط برقرار کند.

۶- اهداف زیستی «جسمانی»: ابن‌سینا برای پرورش بعد جسمانی انسان، هم‌چون بعد روحی اهمیت خاصی قائل شده است. از دیدگاه او، سلامتی سرشت، حالتی است که در آن اعمال بدن به درستی صورت می‌گیرد (همو، ۱۳۷۷، ص ۷). ابن‌سینا در *اشارات و تنبیهات*، در ارتباط با ارزش و اهمیت بعد جسمانی انسان پس از بیان وحدت نفس به ارتباط نفس و بدن و تأثیرپذیری هر کدام از یک‌دیگر می‌پردازد و اذعان می‌دارد که قوت نفس، موجب افزایش قوت بدنی می‌شود و سوء مزاج در بدن، نفس را منفعل می‌سازد (همو، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۳۰۶-۳۰۷؛ همان، ج ۳، ص ۳۹۶). بنابراین یکی از اهداف میانی در فرایند تعلیم و تربیت از منظر ابن‌سینا، می‌تواند توجه به تربیت جسم و نفس در کنار هم باشد و این امر هرگز نباید مورد غفلت مربیان و دست‌اندرکاران آموزشی قرار گیرد؛ زیرا تربیت یک بُعد و غفلت از بُعد دیگر، نوعی نقص در امر تربیت قلمداد می‌شود.

۷- اهداف سیاسی: ابن‌سینا در ارتباط با امور سیاسی می‌گوید: حسن تدبیر در امور برای همه لازم و ضروری است و علت این که این وظیفه متوجه همه کس است، این است که همه نسبت به افرادی که تحت نظر و تدبیر او زندگانی می‌کنند، حکومت و سیاستی دارد. حقیرترین و کوچک‌ترین مردم به سیاست خوب و تدبیر نیکو و تفکر زیاد و تأدیب و تعدیل و به راه راست درآوردن و از راه نادرست بازداشتن و به طور کلی، به همه آنچه که شه‌ریار احتیاج دارد، محتاج و نیازمند است (همو، ۱۳۱۹، ص ۹). ایشان شرط سیاست موفق در امور مختلف زندگی را وابسته به سیاست نفس خود انسان‌ها می‌داند، چنانچه می‌گوید: نخستین سیاستی که سزاوار است انسان با آن آغاز کند، همانا سیاست نفس خود اوست؛ یعنی نخست باید در اصلاح نفس خود بکوشد، سیاست و تدبیرش را در آن کار و کوشش به کار برد و خویشتن را صالح و نیکو سازد؛ چه نفس آدمی، نزدیک‌ترین و محترم‌ترین چیزها است نسبت به او، و در میان آن‌ها به توجه داشتن سزاوارتر و شایسته‌تر است و اگر کسی از عهده سیاست نیکو و اصلاح نفس خود برآید، آن‌گاه باکی بر وی نیست که به بالاتر از آن اقدام کرده به سیاست بلاد بپردازد؛ یعنی کسی که خود را اصلاح کرده باشد، می‌تواند به سیاست و تدبیر امور

مردم اشتغال ورزد (ابن سینا، ۱۳۱۹، ص ۱۷). بنابراین از اهداف دیگری که می‌تواند در تربیت سنیوی نقش داشته باشد، توجه به تربیت سیاسی افراد است و می‌توان از سخنان ابن سینا در این زمینه در راستای تربیت سیاسی افراد به‌رمند شد.

۸- اهداف اقتصادی: ابن سینا بر این باور است که در مدینه فاضله نباید کسی بی‌کار و بی‌شغل باشد، بلکه هر فردی باید دارای شغل و فعالیتی مفید برای جامعه باشد و بی‌کاری و بطالت ممنوع است. همچنین باید شغل‌ها و صناعاتی که منفعت و مصلحتی برای جامعه ندارد (مانند قمار) یا کارهایی که برای مصالح و منافع عمومی مضر است (مثل سرقت) ممنوع شود و کارهایی که باعث می‌شود افراد کارهای مفید را ترک کنند و از فراگیری صناعات باز ایستند (مانند رباخواری که فرد بدون تلاش و زحمت بر مال خویش می‌افزاید) باید ممنوع شود (همو، ۱۴۰۴، ص ۴۴۱).

و در باب مهارت‌بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه جهت اشتغال مولد تأکید می‌کند که نوجوان، در انتخاب صنعتی که می‌خواهد بیاموزد، باید آمادگی و قابلیت‌های خود و امکاناتی را که در اختیار دارد و نیز علاقه شخصی را مد نظر قرار دهد. همچنین وی باید بداند که افراد از نظر توانایی‌های ذهنی و جسمی و ویژگی‌های فردی با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت‌های فردی باید در گزینش صنعت و حرفه رعایت شود (همو، ۱۳۴۷، ص ۳۹-۴۰) و هنگامی که نوجوان با آموزش‌های تکمیلی و تخصصی، در صنعت و حرفه مورد علاقه خویش تا حدی متبحر شد، باید به کسب درآمد روی آورد و از دسترنج خویش امرار معاش کند. ایشان برای این امر دو فایده ذکر می‌کند: نخست این که وقتی نوجوان حلاوت کسب درآمد و امرار معاش از طریق صنعت و حرفه خویش را چشید، دیگر در میانه راه، آن را فرو نمی‌گذارد و می‌کوشد با آموزش و تمرین به بالاترین درجه تخصص و مهارت در آن صنعت دست یابد (همان، ص ۴۱-۴۲) و دیگر این که نوجوان به تحصیل معاش عادت می‌کند و فردی مستقل و با عزت نفس بار می‌آید. در مقابل، نوجوان و جوانی که به ثروت پدر چشم دوخته و از حاصل تلاش و کار وی زندگی می‌گذرانند و با میراث و دارایی بادآورده ایام را سپری می‌کنند، از کسب درآمد و کار و تلاش باز می‌مانند و از تحلی به زیور ادب محروم می‌شود (همان، ص ۴۲)؛ از این رو، در نظام تربیت سنیوی برای رسیدن به هدف کلی (سعادت)، بایستی افراد از جنبه اقتصادی نیز واجد صفاتی باشند که مورد توجه ابن سینا بوده است.

نتیجه‌گیری

با مطالعه در آراء و اندیشه‌های ابن‌سینا روشن شد که ایشان سعادت را بالاترین هدفی می‌داند که انسان به دنبال کسب آن است و هدایت به سوی سعادت را بالاترین هدایت‌ها به حساب می‌آورد. از منظر ایشان، سعادت بزرگ «نزدیکی به حق اول» است که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیز است و حکمای الهی میل و رغبتشان برای نیل به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم است و بدین ترتیب، «نزدیکی به حق اول» به عنوان هدف نهایی در تعلیم و تربیت از دیدگاه ایشان تلقی می‌شود که در این مرتبه انسان از طریق اتصال به عقل فعال به تمام حقایق عالم دست می‌یابد. البته برای رسیدن به هدف کلی تربیت از منظر ابن‌سینا، افراد تربیت یافته بایستی دارای صفات و ویژگی‌های خاصی باشند و از نظام تربیت سینوی انتظار می‌رود که در فرایند تربیت، آموزه‌های ابن‌سینا را که از نوشته‌های او به دست می‌آید، به عنوان اهداف میانی برای رسیدن به هدف کلی در نظر داشته باشد.

اهداف میانی به قرار ذیل است:

۱- پرورش افرادی دین‌دار و معتقد به خداوند بر اساس قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ، و دقت در انتخاب و گزینش مربی و آموزگار برای پرورش متعلمانی که انتظار می‌رود از لحاظ اعتقادی فردی معتقد و دیندار باشد و توانایی تربیت فراگیران را با توجه به محتوا و اصول و واجبات دینی داشته باشد.

۲- تزکیه و تهذیب نفس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی و فراهم ساختن زمینه پرورش اخلاق پسندیده توسط مربی و به دور از افراط و تفریط و به صورت تکرار زیاد فعل اخلاقی و ملکه ساختن آن. فرد تربیت‌یافته نیز باید خود را به‌طور کامل شناخته باشد، چرا که نخستین گام در تربیت، تربیت نفس و کلید آن، شناخت خویش است.

۳- تکمیل نفس ناطقه انسان (عقل نظری - عقل عملی)، عادت به اندیشه‌ورزی، رشد علمی و روحیه لذت بردن از دانش، شناخت و پرورش و هدایت استعدادهاى افراد در راستای اعتلای فرد و جامعه با در نظر داشتن علایق و امکانات. این موارد باید در صدر برنامه‌های تربیتی قرار بگیرد.

۴- رشد و توسعه ذوق و رفتارهای هنری با بها دادن به گنجینه‌های اصیل هنر اسلامی و جذب معلمانی توانمند برای آموزش و پرورش در همین حیطه، و ترغیب مجریان و دست‌اندرکاران آموزشی به تعیین اهداف فرهنگی و هنری، با توجه به مبانی فرهنگ اسلامی.

۵- توجه به نیازهای اجتماعی افراد و آماده کردن فراگیران برای زندگی در جامعه با مشارکت یک‌دیگر و کسب مهارت‌هایی که برای زندگی در یک جامعه لازم است تا افراد بتوانند با دیگران به

گونه مؤثری ارتباط برقرار کنند و نیازهای اجتماعی خویش را برآورده سازند.

۶- توجه به تربیت جسم و نفس در کنار یکدیگر و توجه به این امر که تربیت یک بُعد و غفلت از بُعد دیگر، نوعی نقص در امر تربیت تلقی می‌شود. دانش‌آموز باید از لحاظ جسمانی و نفسانی آمادگی داشته باشد و اگر به هر دلیلی از رشد جسمانی مطلوب بهره نبرد، یادگیری او دچار مخاطره شده و از رسیدن به سعادت باز خواهد ماند.

۷- اقداماتی در زمینه‌های مختلف جهت مشارکت آگاهانه افراد در سرنوشت سیاسی کشور به عنوان یک نیاز اساسی برای تمام اینای بشر، و این هدف در صورتی دست یافتنی است که هر کس پیش از هر چیز به اصلاح نفس خود بپردازد چرا که اگر کسی از عهده سیاست نیکو و اصلاح نفس خود برآید، آنگاه باکی بر وی نیست که به بالاتر از آن اقدام کرده به سیاست بلاد و تدبیر امور مردم بپردازد.

۸- بالا بردن شناخت و آگاهی فراگیران در ارتباط با ارزش و قداست کار و معاش حلال و تأثیرات کار و آثار آن بر جامعه و تلاش برای کارآفرینی به‌خاطر جلوگیری از بی‌کاری و بطالت در جامعه و تشویق مردم به کارهایی که منافع و مصالح عمومی را تهدید نمی‌کند و در نهایت تشویق جوانان برای انجام کاری متناسب با علایق و استعداد خود.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.